پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال دهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹، صص ۱۳۶ - ۱۱۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۰۰۲۰۵

ارزیابی سیاست خارجی بریتانیا در قبال بحران یمن

احمدرضا یوسف وند[۱]
پویا کلانتری[۲]
مهدی جاودانی مقدم[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۱ **تاریخ پذیرش:** ۱۳۹۹/۰۳/۱۵

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

بحران یمن به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل کنونی غرب آسیا، در مرکز ثقل رقابت ژئوپلیتیک وایدئولوژیک محیط منطقه‌ای قرار دارد. این مساله سبب شده است که بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در راستای اهداف و منافع ملی خود، به ایفای نقش در این بحران بپردازند که در این میان، بریتانیا را می‌توان یکی از بازیگران بین المللی کلیدی و موثر در تحولات این بحران درنظر گرفت. شواهد موجود نشان می‌دهد که بریتانیا به عنوان یکی از بازیگران سنتی مهم در منطقه خاورمیانه در راستای برند «بریتانیای جهانی»، مشارکت و مداخله فعالانه‌ای را در قبال بحران یمن در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده است. بر این اساس، این مقاله تلاش دارد تا به این سوال اصلی بپردازد که مهمترین انگیزه‌ها و محرک‌های سیاست خارجی بریتانیا از مداخله در بحران یمن کدامند و با چه ابزارها و روش‌هایی عملیاتی و اجرایی شده‌اند؟ یافته‌های این پژوهش که به روش توصیفی- تحلیلی صورت گرفته نشان می‌دهد که بریتانیا پس از برگزیت و در خلال بحران یمن، به منظورایفای نقش جهانی، تمایل بیشتر خود به نقش آفرینی در منطقه غرب آسیا را از طریق اعمال فشار و چانه‌زنی دیپلماتیک با فروش تسلیحات و آموزش نیروهای ائتلاف عربستان سعودی و ایفای نقش میانجیگر در این بحران، در سیاست خارجی خود پیگیری کرده است.

واژه‌های کلیدی: سیاست خارجی، بریتانیا، بحران یمن، غرب آسیا، عربستان، ایران.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران ahmad313373@gmail.com
۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران pouya11412@gmail.com
۳. استادیار، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول) Javdani@isu.ac.ir

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.6.9]

مقدمه

بررسی تاریخ تحولات سیاسی- اجتماعی خاورمیانه در سه قرن اخیر نشان می‌دهد که بدون شک، بریتانیا، مهم‌ترین بازیگر سنتی فرامنطقه‌ای خاورمیانه است که از گذشته تا کنون، به صورت عینی و یا ذهنی، آشکار یا پنهان و مستقیم یا غیرمستقیم بر مسائل این منطقه تاثیر گذاشته است. این مساله به گونه‌ای بوده که حتی زمینه رشد «توهم توطئه» در میان نخبگان و مردم عادی این کشورها را به وجود آورده و با عباراتی مانند «کار، کار انگلیسی‌هاست»، هر پدیده‌ای که در این منطقه بوقوع پیوسته را تحت تاثیر اقدامات و اهداف سیاست بریتانیا تلقی نموده اند. در این میان، فارغ از میزان تاثیرگذاری این کشور در رویدادهای منطقه‌ای -که پژوهش‌های مستقلی را به خود اختصاص داده است- واقعیت میدانی تحولات منطقه نشان می‌دهد که نقش این کشور پس از جنگ دوم جهانی و بویژه از دهه ۱۹۷۰ میلادی و پایان حضور مستقیم نیروهای این کشور در خاورمیانه، تحت تاثیر افزایش نقش آفرینی سایر بازیگران فرامنطقه‌ای بالاخص آمریکا همواره رو به افول گذاشته است.

با این وجود، با افول نسبی قدرت آمریکا در نظام بین الملل پس از ۱۱ سپتامبر، اهمیت مضاعف چین در مناسبات قدرت جهانی و تغییر اولویت مرکز ثقل راهبرد سیاست خارجی امریکا از خاورمیانه به شرق به منظور مهار چین و همچنین نقش آفرینی بازیگران چالشگر منطقه‌ای در خاورمیانه و تغییر معادلات توازن قوا در منطقه پس از حمله آمریکا به افغانستان و عراق و در پرتو بهار عربی و بحران‌های منطقه‌ای مانند سوریه و یمن، زمینه برای تمایل بریتانیا به مداخله بیشتر در این منطقه تقویت شده است. این مساله به ویژه در پرتو خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا و آغاز دوره جدیدی در روابط خارجی آن، به اوج رسیده که نتیجه آن، ایفای نقش موثرتر در مسائل و بحران‌های منطقه‌ای ازجمله بحران یمن بوده است.

۲- پیشینه پژوهش

بحران یمن با توجه به موقعیت راهبردی این کشور در غرب آسیا و اشراف آن بر تنگه باب المندب و جایگاه آن در تحولات آتی نظم منطقه‌ای و نقش آفرینی ائتلاف‌های سعودی و محور مقاومت، از اهمیت خاصی برای سیاست خارجی نوین بریتانیا پس از خروج از اتحادیه اروپا برخوردار است. با این وجود، تا کنون، آثار پژوهشی بسیار محدودی در این

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال دهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.6.9]

زمینه صورت گرفته است که آنها را می‌توان به شرح زیر تقسیم‌بندی کرد. دسته اول، آثاری هستند که صرفا به چیستی و ماهیت بحران یمن و ریشه‌ها و تحولات آن اشاره دارند که در این میان، گزارش مرکز سوفان (۲۰۱۸) با عنوان«جنگ فراموش شده: فاجعه کنونی در یمن»، گزارش بن اسمیت در مجلس عوام بریتانیا (۲۰۱۷) با عنوان«یمن در جنگ»، مقاله سروش امیری و جواد کیانی (۱۳۹۶) با عنوان «خاستگاه درونی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بحران ژئوپلیتیکی یمن»، مقاله سید امیر نیاکویی و احسان اعجازی (۱۳۹۵) با عنوان «واکاوی بحران امنیتی در یمن: علل و زمینه‌ها»، مقاله حسین مختاری و مجتبی شمس (۱۳۹۶) با عنوان تحلیل «ژئوپلیتیک بحران یمن» تلاش داشته‌اند تا به بررسی ابعاد داخلی و خارجی شکل‌گیری این بحران و آثار و پیامدهای آن بپردازند.

دسته دوم پژوهش‌های موجود، به ارزیابی نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در قبال این بحران پرداخته‌اند که در این زمینه، گزارش مرکز پژوهش‌های کنگره آمریکا (۲۰۲۰) با عنوان «یمن: جنگ داخلی و مداخله منطقه‌ای» و مقاله سروش امیری (۱۳۹۷) با عنوان دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و بحران ژئوپلیتیکی و امنیتی یمن با تأکید بر ایران و عربستان و همپیمانان» به تبیین نقش، اهداف و منافع هر یک از این بازیگران در تحولات بحران یمن اشاره داشته اند.

با توجه به آنچه ذکر شد، بررسی آثار موجود نشان می‌دهد که درمیان آثار منتشر شده داخلی، تا کنون به بررسی سیاست خارجی بریتانیا در قبال بحران یمن، پرداخته نشده و در پژوهش‌های خارجی نیز در پژوهش‌های محدودی به نقش بریتانیا در این بحران اشاره شده که در بیشتر آنها نیز صرفا بر نقش موثر بریتانیا در فروش تسلیحات نظامی به عربستان سعودی و سایر کشورهای عضو ائتلاف تاکید شده است چنانچه در گزارش مجلس اعیان بریتانیا (۲۰۱۹) با عنوان«یمن: فرصت دادن به صلح»، گزارش آکسفام (۲۰۱۹) با عنوان«کمک و تسلیحات بریتانیا در یمن»، گزارش‌های مجلس عوام بریتانیا با عنوان «کاربرد تسلیحات ساخت بریتانیا در یمن» (۲۰۱۶)، به این موضوع پرداخته شده است. بر این اساس، مقاله حاضر تلاش دارد تا با ارزیابی سیاست خارجی بریتانیا در قبال بحران یمن، به اهداف و منافع این کشور در قبال بحران مذکور پرداخته و اقدامات و ابزارهای این کشور برای دستیابی به اهدافش در یمن را مورد واکاوی و مداقه قرار دهد. در ادامه، ابتدا به مبانی نظری اشاره شده و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.6.9]

سپس با مروری بر سیاست بریتانیا در منطقه جنوب غرب آسیا، ابعاد مختلف سیاست خارجی این کشور در بحران مذکور تبیین می‌شود.

۳- مبانی نظری

واقعگرایی نوکلاسیک یکی از زیرشاخه‌های واقعگرایی است و با همه زیرشاخه‌های این مکتب در دولت‌گرایی[1]، بقا[2] و خودیاری[3] مشترک است (بیلس و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۳۹). واقعگرایی نوکلاسیک در حقیقت صورت‌بندی جدیدی از واقع‌گرایی است که متضمن مرتبط ساختن سیاست بین‌الملل و سیاست داخلی و به خصوص ساختارهای نظام جهانی و ساختارهای ملی است. بر این اساس رهبران دولتها جویای اعمال کنترل بر منابع برای پیشبرد اهداف خویش و اثرگذاری بر قواعد، رویه‌ها و هنجارهای نظام بین‌الملل‌اند. دولتها سعی دارند با دستیابی به منابع اقتصادی و افزودن بر توان فناوری از مزایای آن، چه در سطح بین الملل و چه در سطح داخلی استفاده کنند. یکی از راهبردهایی که دولتها در همین راستا از آن بهره میبرند، استخراج بیرونی[4] است. استخراج بیرونی به دستیابی به منابع در آن سوی مرزهای دولت اشاره دارد که میتواند به حصول اهداف دولت کمک کند. رشد و تکوین نظریه واقعگرایی نوکلاسیک شامل شناخت قدرت به گونه‌ای است که همکاری و همگرایی نسبت به تنش و رقابت به عنوان گزینه بهتری تلقی میگردد. این نظریه بر پایه این فرض استوار است که سیاست خارجی نتیجه تعامل پیچیده درون و میان هر دو سطح تحلیل نظام بین‌المللی و واحدها است. البته هم چنان قدرت دولت و جایگاه آن در نظام بین الملل نقش بسیار مهمی در تحلیل سیاست خارجی آن‌ایفا میکند (جیمز دوئرتی و رابرت فالتزگراف، ۱۳۹۶: ۱۰۲).

واقعگرایی نوکلاسیک نظریه‌ای است که به طور مشخص به منظور تحلیل سیاست خارجی ظهور یافته است و در این خصوص آگاهانه نظریه پردازی می‌کند. بر خلاف واقعگرایی کلاسیک و نواقعگرایی که اگر چه میتوان از آنها اصولی را در خصوص سیاست خارجی استخراج کرد، به طور کلی نظریه‌هایی در باب سیاست خارجی نیستند و با این

1. State centric
2. survival
3. Self-help
4. External extraction

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.6.9]

هدف تکوین نیافته‌اند (Feng and Ruizhuang, 2006: 119). همچون سایر واقعگرایان، نوکلاسیک‌ها نیز به فضای آنارشی بین المللی اذعان دارند ولی آن را عامل علّی نمی دانند، بلکه آن را صرفا به عنوان تسهیل کننده قلمداد می‌کنند. همچنین آنان چندان به خصوصیات نظام بین الملل، آن گونه که والتز می‌پرداخت، نمی پردازند. واقعگرایی نوکلاسیک بر خلاف نگرش تقلیل گرایانه نوواقعگرایان، تصمیمات حوزه سیاست خارجی کشورها را ناشی از ترجیحات داخلی کشورها می‌دانند. از نظر آنان، خصوصیات سطح نظام از جمله موازنه قوا محدود کننده تصمیمات دولت است. اما این امر صرفا به صورت‌ایجاد فرصتها و تهدیدات گوناگون تجلی می‌یابد و این رهبران دولتها هستند که خط مشی دولت در جهان بین الملل را رقم می‌زنند و تصمیم می‌گیرند که چه موضعی را در خصوص فرصتها و تهدیدات خارجی اتخاذ کنند (Mononen, 2008: 5). لذا واقعگرایان نوکلاسیک تا حدودی به سازه انگاری نزدیک می‌شوند و معتقدند آنارشی چیزی است که دولتمردان می‌سازند.

با توجه به این چارچوب نظری، بررسی سیاست خارجی بریتانیا در قبال یمن مستلزم رویکردی است که انعکاس دهنده خواست و اراده رهبران و دولتمردان این کشور برای نفوذ[1] در یمن باشد و در میان نظریات مختلف نوکلاسیک‌ها هستند که بر کلید واژه نفوذ تأکید دارند. بر این اساس، نظام آنارشیک موجب شکل گیری رقابت میان دولتها می‌شود و در نتیجه این امر، آنان تلاش می‌کنند تا نفوذ خود را گسترش دهند (مشیرزاده، ۱۳۹۷: ۳۲). از سوی دیگر، مفهوم استخراج بیرونی بر مصداق فروش تسلیحات به عربستان که در حال حاضر توسط بریتانیا انجام می‌شود منطبق است. همچنین اشاره به بحران یمن از منظر برخی رهبران بریتانیا که در مقاله حاضر مورد بررسی قرار گرفته است نیز در چهارچوب واقعگرایی نوکلاسیک قابل بررسی است.

به طور کلی، اهداف بریتانیا برای برقراری ارتباط دوستانه با عربستان سعودی در سه بخش قابل دسته بندی است. هدف اولیه این کشور تأمین امنیت ملی در مقابل یک دشمن مشترک است. چرا که ارتباط نزدیکی بین حوثی‌های یمن وایران وجود دارد. مسئله دیگری که ذیل امنیت ملی می‌گنجد، اهمیت خلیج فارس برای این کشور است. به طوری که وزرای دفاع و خارجه بریتانیا، بارها به اهمیت آن اشاره کرده اند. محور دوم اهداف بریتانیا در ارتباط

1. influence

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.6.9]

با عربستان سعودی، دورنمای اقتصادی این روابط است. خصوصا در چشم انداز ۲۰۳۰ به افزایش فرصت‌های شغلی برای بریتانیا از طریق بهبود روابط با سعودی اشاره شده است. در نهایت، پس از همه پرسی برگزیت، کلید واژه «بریتانیا جهانی» در صدر اولویت‌های سیاست خارجی بریتانیا قرار گرفت که این امر، دلالت بر تمایل این کشور برای گسترش منطقه نفوذ خود دارد (Rij and Wilkinson, 2018: 10). با توجه به این دسته‌بندی سه‌گانه و نقش کلیدی مفاهیمی چون نفوذ، امنیت ملی و استخراج بیرونی در سیاست خارجی بریتانیا در قبال بحران یمن، تحلیل این موضوع در چهارچوب نظریه واقعگرایی نوکلاسیک، ممکن و مطلوب است.

۴- پیشینه عملکرد بریتانیا در منطقه غرب آسیا در قرن بیستم

قرن بیستم، قرن افول قدرت بریتانیا در منطقه غرب آسیا به حساب می‌اید. در این زمان، حوادث به گونه‌ای برای بریتانیا که پیش ازاین، قدرت استعماری بلامنازعی در خاورمیانه بود، رقم خورد که زمینه را برای خروج این کشور از این منطقه فراهم کرد. یکی از دلایل خروج بریتانیا از شرق کانال سوئز در سال ۱۹۷۱، مسائل اقتصادی این کشور بود. در آن دوران، بریتانیا به گونه‌ای دچار بحران ارزی شد که جیمز کالاهان[1]، وزیر خزانه‌داری، تصمیم به کاهش ۱۵ درصدی پوند داد تا بتواند به توازن پرداخت‌ها سروسامانی بدهد. هارولد ویلسون[2] که در دوره اول نخست وزیری خویش دارای اکثریت نه چندان قاطعی از هم حزبی‌های کارگرش در پارلمان بود، توان کافی برای تحولی عمیق در سیاست خارجی این کشور را نداشت. در سال ۱۹۶۶ و هنگامی که حزب کارگر به اکثریت قاطعی در پارلمان دست یافت، وی توانست به آسانی تغییراتی را در سیاست خارجی اعمال نماید. از این پس، نزاع در میان رهبران بریتانیا در خصوص راهبرد این کشور در قبال منطقه غرب آسیا شدت گرفت (Burns, 2009: 220). عده‌ای با تأکید بر حفظ سنت‌های گذشته امپراطوری بریتانیا و افزایش بودجه و توان دفاعی، خواهان حضور طولانی در شرق کانال سوئز بودند و گروهی دیگر با توجه به بحران‌های اقتصادی و رویدادهای سیاسی و نظامی پس از شروع جنگ سرد، خواستار برچیدن تمام پایگاه‌های نظامی بریتانیا در آسیا تا سال ۷۰-۱۹۶۹م شدند. در این برهه از تاریخ، بریتانیا در عرصه بین الملل گرفتار سه معمای بنیادین شده بود. اول این

1. James Callaghan
2. Harold Wilson

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.6.9]

که سرنوشت بریتانیا در خصوص پیوستن به جامعه اقتصادی اروپا (Garnett, 2018: 177) با مخالفت فرانسه مواجه شده بود. از سویی دیگر، آمریکا به واسطه درگیری در ویتنام، توان یاری رساندن به بریتانیا در غرب آسیا را نداشت و در نهایت، بحران اقتصادی تأثیرات عمیقی بر این کشور گذاشته بود. این مسائل در کنار یکدیگر، حضور بریتانیا در منطقه را برای این کشور پرهزینه کرده بود و در نتیجه پاره‌ای از پایگاه‌های نظامی این کشور در حوزه اقیانوس آرام تا سنگاپور حذف شد.

یکی دیگر از عوامل خروج بریتانیا از منطقه غرب آسیا، جنگهای اعراب و اسرائیل بوده است. پس از این جنگ‌ها که شکست اعراب را در پی داشت، افکار عمومی منطقه، دیدگاه مثبتی نسبت به انگلستان نداشت. چرا که بریتانیا در این جنگ‌ها از اسرائیل حمایت می‌کرد (اووری، ۱۳۹۱: ۱۲۴) و این مساله، خشم اعراب را علیه بریتانیا برانگیخت. در نتیجه در حلقه تصمیم‌گیران انگلستان این چنین برداشت می‌شد که تداوم حضور نظامی در غرب آسیا در جهت منافع جزیره نیست و موجب حساسیت بیش از پیش مردم این منطقه نسبت به انگلیسی‌ها می‌شود. نقش کلیدی انگلستان در جنگ کانال سوئز نیز به عصبانیت اعراب از انگلستان افزوده بود و سیاستمداران انگلیسی را بیش از پیش وادار به تصمیم برای ترک این منطقه می‌کرد. کانال سوئز که دریای مدیترانه را به دریای سرخ و خلیج فارس مرتبط می‌کرد، در آن زمان در مالکیت کارتل انگلیس و فرانسه بود و ملی کردن آن علاوه بر کسب درآمد قابل توجه برای دولت مصر، موجب افزایش اعتبار و محبوبیت ناصر در بین اعراب و جبران سرافکندگی شکست جنگ سال ۱۹۴۹ گردید. اما این مسئله به هیچ وجه مورد قبول انگلستان نبود و در این مورد بین انگلستان و فرانسه تفاهم کامل وجود داشت. اسرائیل نیز که از تجدید روحیه ملت عرب و قدرت و سربلندی مردم مصر نگران بود، با انگلستان و فرانسه متحد شد. در میان بهت و حیرت جهانیان و دو ابرقدرت غرب و شرق، حمله غافلگیرانه مشترکی برای تصرف کانال سوئز آغاز گردید. با توجه به این که انگلستان و فرانسه بدون اجازه آمریکا این جنگ را آغاز کردند، آمریکا با آنان مخالفت کرد و تهدید کرد که در صورت عدم خروج فوری متجاوزان، به کمک مصر خواهد شتافت. در نتیجه، بریتانیا و فرانسه با سرافکندگی مجبور به توقف حملات شدند و انگلستان با اشتباه راهبردی خود در شروع جنگ با مصر، زمینه را برای خروج بالاجبار نیروهایش از این منطقه آماده کرد (قاسمی، ۱۳۸۴: ۱۰۵ و ۱۰۶).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.6.9]

یکی دیگر از دلایل خروج انگلستان از منطقه غرب آسیا آن بود که غالب کشورهای جهان سوم که مستعمرات سابق کشورهای اروپایی مخصوصا انگلستان بودند، با اوج گرفتن موج ناسیونالیسم در سال‌های بین دو جنگ جهانی، مبارزات استقلال طلبی را آغاز کرده و سرنجام در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی به این هدف نائل آمده بودند (نقیب‌زاده، ۱۳۸۳: ۲۶۵).

۵- بین الملل گرایی در سیاست خارجی بریتانیا در هزاره جدید

استقلال هند، خروج بریتانیا از غرب آسیا و جایگزینی بازیگری آن در تحولات منطقه با قدرت‌ایالات متحده در دوران جنگ سرد و همچنین چالش‌های اقتصادی بریتانیا، زمینه افول نقش جهانی آن در نظام بین الملل و تمرکز بر سیاست‌های منطقه گرایی این کشور را بوجود آورد. در نتیجه این حوادث، بریتانیا برای مدتی از حضور در غرب آسیا صرف نظر کرد تا این که در اوایل قرن بیست و یکم، تحولاتی در عرصه بین الملل رخ داد که فرصت‌های جدیدی را در راستای اتخاذ سیاست خارجی بین الملل گرایانه، فراروی سیاستگذاران این کشور قرار داد. از جمله مهمترین این حوادث، حمله تروریستی یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ بود. جرج والکر بوش[1]، رئیس جمهور آمریکا اعلام کرد که این کشور آشکارا قربانی یک حمله تروریستی شده است. این در حالی است که برای قرن‌ها این کشور از محافظت دو اقیانوس و خود بسندگی[2] اقتصادی استفاده می‌کرد (Mansbach and Rafferty, 2008: 36-37). به این وسیله، آمریکا دکترین مبارزه با تروریسم[3] را اعلام کرد و در پی این امر، زمینه حضور برخی از کشورهای غربی از جمله آمریکا و بریتانیا در کشورهای منطقه غرب آسیا فراهم گشت. به گونه‌ای که می‌توان گفت که از آن پس مبارزه با تروریسم یکی از مهمترین عناصر همکاری میان اروپا و آمریکا بوده است (کشاورز شکری و صادقیان، ۱۳۹۲: ۷۲). در این دوران، بریتانیا نیز در سیاست خارجی خود به دنبال‌ایفای نقش در پازل آمریکا بود تا بتواند در سایه حمایت این کشور به افزایش قدرت خود در سطح بین الملل مبادرت ورزد. برای مثال، در جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ رابطه و هماهنگی بین آمریکا و انگلیس به حدی پر رنگ بود که برخی تحلیلگران، تونی بلر را بازیچه جرج بوش می‌دانستند (Smout, 2018). در این زمینه، باید

1. George Walker Bush
2. Self-sufficiency
3. War on Terror

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.6.9]

توجه داشت یمن در همکاری های میان آمریکا و بریتانیا در منطقه غرب آسیا به هیچ وجه یک استثنا محسوب نمی شد. گزارش‌ها حاکی از آن است که عبدالله صالح، رئیس جمهور یمن بین سال‌های ۱۹۷۸ تا ۲۰۱۲ همکاری‌های تنگاتنگی با هر دو کشور آمریکا و انگلیس داشته است. در حقیقت، در این دوران، حکومت یمن ذیل کشورهایی محسوب می‌شد که با اجرای سیاست دنباله روی[1] تلاش می‌کنند که با پیروی از قدرت‌های بزرگ منافع خود را تأمین نمایند. در این سیاست، که ادبیات آن توسط نوکلاسیک‌ها مطرح شد و معمولا در محیط‌های بحران خیز انجام می‌شود، کشورها منافع و تهدیدات خود را با منافع و تهدیدات قدرت‌های بزرگ پیوند می‌زنند تا با هزینه کمتری بتوانند به ایفای نقش مؤثر بپردازند (محمد شریفی و دارابی منش، ۱۳۹۲: ۱۳۱-۱۳۲). در سال ۲۰۱۶، یک پژوهش آشکار کرد که سرویس امنیتی انگلیس موسوم به ام‌ای سیکس، همکاریهای پنهانی با آمریکا و عبدالله صالح در حملات پهپادهای نظامی به یمن داشته است. این در حالی است که سازمان ملل متحد تخمین زد که بین ۳۲ تا ۶۰ میلیارد دلار دارایی توسط این شخص و به طور غیر قانونی جمع آوری شد که نشان از عمق فساد و دیکتاتوری عبدالله صالح دارد (Smith, 2017).

وقوع رویدادهای انقلابی در تونس و مصر که به برکناری زین العابدین بن علی و حسنی مبارک از قدرت انجامید، موجب شد مردم یمن نیز به پیروی از مردم تونس، مصر و لیبی اعتراض‌های ضدحکومتی گسترده‌ای علیه حکومت دیکتاتوری این کشور آغاز کنند. پیوستن برخی از مخالفان قدرتمند رژیم صالح به معترضان، سبب افزایش فشار و اعتراض‌های ضد حکومتی در یمن شد. انقلاب یمن، اگرچه همانند انقلاب‌های مصر و تونس، با پیروزی سریع همراه نبود، اما معترضان یمنی بالاخره به پیروزی دست یافتند (سمیعی اصفهانی و عزیز آبادی و نیکفر، ۱۳۹۴: ۱۱). علی عبدالله صالح در سال ۲۰۱۲ به دنبال بیداری اسلامی از قدرت برکنار شد. وی که در طی دوران حکومت به جای تن دادن به خواسته های به حق و قانونی مردم، با توسل به زور و خشونت به سرکوب معترضان مبادرت ورزیده و موارد عدیده ای از نقض حقوق بشر مرتکب شده بود (علی‌نژاد اصل و آرش‌پور و راعی دهقی، ۱۳۹۸: ۲۸)، هرگز مجبور به پاسخگویی برای اعمالش طی ۳۴ سال حکومت نشد. در حقیقت این بار نیز آمریکا و عربستان بودند که با حمایت از عبدالله صالح باعث شدند

1. Bandwagoning

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.6.9]

که وی به جای قرارگرفتن تحت پیگرد قانونی، با امنیت زندگی کند و طرح مشترک شورای همکاری خلیج فارس و آمریکا در ژانویه ۲۰۱۲ او را از هرگونه تعقیب و مجازات معاف کرد (Edroos, 2017). این امر نشان از جهت‌گیری سیاست خارجی کشورهای ائتلاف سعودی مورد حمایت بریتانیا داشت.

۶- سیاست خارجی بریتانیا و بحران یمن

در عصر حاضر و در شرایطی که بریتانیا، اتحادیه اروپا را ترک کرده است و بنا دارد به گفته سیاستمداران این کشور به بازیابی نقش خود در عرصه بین الملل بپردازد، یکی از اساسی‌ترین مسائلی که افکار عمومی را درگیر خود کرده بحران یمن است. جرمی هانت[1]، وزیر امور خارجه بریتانیا، در مؤسسه بین المللی مطالعات استراتژیک در سنگاپور در این خصوص صحبت کرد و مشارکت برای حفظ صلح درایندە یمن را در راستای‌ایفای نقش بین المللی اعلام کرد. (Britain's role in a post-Brexit world, 2019). اساسا یکی از عمده‌ترین دلایلی که برای خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا ذکر شده است، افزایش همکاری‌های فرامنطقه‌ای و رسیدن به هدفی است که آن را بریتانیای جهانی[2] نام نهاده‌اند.

در این چارچوب، سیاست خارجی بریتانیا با تمرکز بر بین الملل گرایی و مشارکت فزاینده در تنظیم و عملیاتی سازی دستورکارهای بین المللی تدوین شده است. بر این اساس، سیاست خارجی این کشور در قبال بحران یمن نیز از یکسو با تمرکز برایفای نقش آن به عنوان یک میانجی بیطرف برای سازمان ملل متحد در راستای تحقق صلح تعریف شده و از سوی دیگر، این کشور در راستای اهداف منطقه‌ای و بین المللی خود و همچنین منافع اقتصادی ناشی از فروش تسلیحات نظامی به عربستان سعودی و ائتلاف عربی جنگ یمن، حمایت‌های فراوانی را از ائتلاف سعودی مبذول داشته است. به طوری که این مساله، فشار افکار عمومی بر دولت بریتانیا درباره حقیقت آن چیزی که به عنوان برند «بریتانیای جهانی» شناخته می‌شود را بر انگیخته است (Walpole, 2018). درواقع، دولت بریتانیا که بعد از جنگ‌های افغانستان و عراق تا کنون تلاش کرده تا به نقش جهانی خود به گونه‌ای که کمتر جان نظامیانش را به خطر اندازد، ادامه دهد، در سیاست خارجی خود پس از برگزیت در

1. Jeremy Hunt
2. Global Britain

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.6.9]

قبال بحران یمن نیز همزمان با تلاش برای‌ایفای نقش میانجی، کمک‌های تسلیحاتی فراوانی را به ائتلاف سعودی مبذول داشته است. البته این کشور در جهت تطهیر چهره خود در افکار عمومی به نتیجه ارزیابی‌های تیم مشترک ارزیابی حوادث[1] ارجاع داده است. این تیم ارزیابی که در جهت نظارت بر حملات ائتلاف عربستان به یمن صورت پذیرفته بود، سابقا اعلام کرده بود که حمله هوایی عربستان به کودکان یمنی و هدف قرار دادن آنها ناشی از خطای محاسباتی بوده است. اما نکته قابل توجه در این خصوص، عدم استقلال این تیم نظارت و اثرپذیری آن از ائتلاف سعودی است. از این رو قابل اعتماد بودن نتایج نظارت مذکور در ابهام قرار داشت و با قرار گرفتن نام ائتلاف سعودی در لیست سیاه گروه‌های عامل کشتار کودکان سازمان ملل، واقعیت این مساله، آشکار گردید.

از سوی دیگر، تظاهر به صلح طلبی در شرایطی از طرف بریتانیا صورت می‌گیرد که طبق گزارش گاردین، بسیاری از افسران نظامی سعودی در کالج سلطنتی بریتانیا و در مدرسه آر.ای.اف در کراول آموزش دیده اند (Dozens of Saudi military, 2019). انتشار جزئیات این خبر به این معناست که این کشور در حال لابی و چانه زنی با آلمان بوده است تا به نوعی منع فروش تسلیحات به عربستان را بی‌اثر کند. در همین زمینه نیز رهبر انصارالله یمن اعلام کرد که یک فروشنده سلاح نمی تواند نقش یک میانجی صلح را بازی کند. لئود لاسول نماینده مجلس حزب کارگر نیز در این راستا اشاره کرد که آموزش دادن نیروهای سعودی نشان از اوج اراده انگلیس برای در هم شکستن مردم یمن دارد.

یکی دیگر از موارد چالش برانگیز آن است که در عمل، بریتانیا تلاش قابل اعتنایی برای تأثیر بر سیاست خارجی عربستان نمی کند. در این خصوص گفته شده است که انگلستان می‌تواند مانع کشتار در یمن شود ولی در عمل هرگز این کار را نخواهد کرد (Wearing, 2019). اخیرا در پارلمان بریتانیا وزیر خارجه سایه انگلیس، امیلی ترنبری، سوالی فوری درباره اظهارات مطرح شده در خصوص حضور نظامیان بریتانیا در منطقه و پشتیبانی این نظامیان از ائتلاف سعودی پرسید. بر اساس گزارشات، پنج تن از نیروهای ویژه اس.ای.اس[2] در حال آموزش نظامی به سعودی‌ها، در کمپین سربازان سعودی زخمی شدند. البته برخی معتقدند که انگلستان با این اقدامات قوانین بین المللی را زیر پا نگذاشته است و فقط

1. the JIAT
2. SAS

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.6.9]

استراتژی خوب و اخلاقی را دنبال نمی کند (Curtisv, 2019). این گونه اظهار نظرها نشان از تأثیر عملیات روانی انگلیس در راستای تطهیر چهره خود دارد. در همین راستا دولت بریتانیا اظهار می‌دارد که کمک به ارتش عربستان سعودی،ایجاد ثبات در منطقه خلیج فارس است.

علیرغم انتقادهای بین‌المللی از جنگ ائتلاف تحت رهبری عربستان سعودی علیه یمن، نمایندگان آمریکا و بریتانیا در نشستی با نمایندگان عربستان و امارات، از ادامه این حملات حمایت کردند. در همین راستا کمیته چهارجانبه آمریکا، عربستان، امارات و بریتانیا در مورد یمن با حضور عادل الجبیر وزیر امور خارجه سابق عربستان، عبدالله بن زاید وزیر خارجه امارات، جرمی هانت وزیر خارجه انگلیس و دیوید ساترفیلد[1]، دستیار وزیر خارجه آمریکا در امور خاور نزدیک برگزار شد. نگاهی به بیانیه وزارت خارجه بریتانیا در پایان این نشست مشترک نشان می‌دهد که لندن و واشنگتن حمایت خود را از ادامه حملات ائتلاف متجاوز سعودی–اماراتی اعلام کرده‌اند. در بیانیه مشترک چهار کشور مذکور آمده است که آنها تعهدشان را در زمینه حصول به یک راه حل جامع سیاسی برای درگیری در یمن و همچنین حمایتشان از توفقات حاصل شده بین طرف‌های یمنی در استکهلم در سال ۲۰۱۸ را اعلام کردند. همچنین آمریکا، بریتانیا و دو عضو ائتلاف متجاوز به یمن، در این بیانیه مشترک، ادعاهای قبلی درباره موشک‌های بالستیک انصارالله یمن وایرانی بودن این موشک‌ها را تکرار کردند و این سلاح‌ها را تهدیدی برای امنیت منطقه خواندند. در این بیانیه، بریتانیا و آمریکا حمایت کامل خود از عربستان سعودی و آنچه که نگرانی‌های مشروع امنیت ملی این کشور خواندند را اعلام کرده و خواستار توقف فوری حملات نیروهای الحوثی و متحدانشان به سعودی‌ها شدند. (Joint Statement… on Yemen and the Region, 2019).

همچنین جرمی هانت وزیر امور خارجه سابق بریتانیا، در سخنرانی خود در آلمان اعلام کرده بود که همکاری‌های تنگاتنگ با عربستان به بریتانیا این توان را می‌دهد که در راه وصول به صلح در یمن تلاش کند. وی در این سخنرانی تصریح کرد که آلمان و بریتانیا اهداف مشابهی را دنبال می‌کنند. اما قصد این کشور آن است که مطمئن شود یک صدای اروپایی کنار میز هست تا مقدمات صلح را فراهم سازد (Euronews, 2019). هانت با این استدلال تلاش می‌کرد که روابط استراتژیک کشور خود با عربستان سعودی را توجیه کند؛ چرا که در

1. David M. Satterfield

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.6.9]

واقع بریتانیا به دنبال لابی کردن برای متقاعد ساختن شرکای اروپایی است تا بتواند به فروش تسلیحات به عربستان و همچنین همکاری با این کشور ادامه بدهند.

۷- ابعاد مداخله نظامی بریتانیا در بحران یمن

مداخله نظامی بریتانیا در بحران یمن بسیار گسترده است. در طی جنگ یمن، بارها جنگنده‌های سعودی اقدام به موشک باران منازل مسکونی، زیر ساختها، مدارس و... کرده اند که طبق گزارشات مستند از جمله موسسه آکسفام[1] این جنگنده‌ها از بمب‌های انگلیسی برای انجام این کار استفاده نموده‌اند (Oxfam, 2019). همچنین طبق گزارشات، ۲۸۲ پرسنل غیر نظامی نیروی هوایی بریتانیا در حال کمک به نظامیان ائتلاف سعودی هستند. گزارشات حاکی از آن است که سلاح‌های فروخته شده به عربستان توسط شرکت صنایع هوافضای بریتانیا[2] باعث کشته شدن نزدیک به ۶۰ هزار یمنی شده است. سایت کمپین مخالفت با تجارت اسلحه با اشاره به این موضوع که علی رغم زیر پا گذاشتن حقوق بشر توسط عربستان سعودی، بریتانیا همچنان به فروش سلاح به این کشور ادامه می‌دهد آماری از فروش اسلحه منتشر کرده است. بر این اساس ارزش تقریبی مقدار صادرات انواع مختلف سلاح به شکل زیر آمده است:

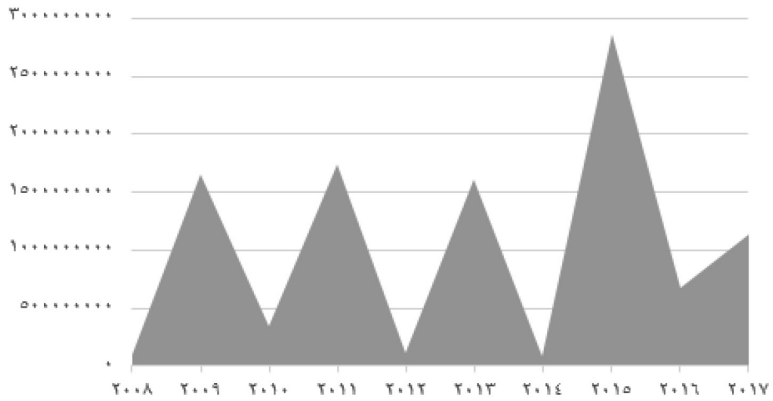
- ۲,۷ میلیارد پوند انواع هواپیما، هلیکوپتر و پهپاد
- ۱,۹ میلیارد پوند انواع نارنجک، موشک، بمب و...
- ۵۷۲۰۰۰ پوند ماشین‌های نظامی و انواع تانک‌ها (CAAT, 2019)

هم چنین دولت تأیید کرده است که جنگنده‌های تایفون[3] و ترنادو[4] به طور گسترده در جنگ یمن به کار برده شده‌اند. انواع موشکهای کنترل شونده از جمله بمبهای «پیو وی»[5] و هم چنین «پی جی ام ۵۰۰»[6] نیز در اختیار عربستان سعودی قرار گرفته است (CAAT, 2019). در همین راستا رئیس انجمن حمایتی آکسفام با انتقاد از سیاستهای دوگانه بریتانیا اشاره کرد که این کشور از سویی با تسلیح ائتلاف سعودی به شعله ور شدن جنگ کمک می‌کند و از

1. Oxfam
2. BAE (British Aerospace Systems)
3. Typhoon
4. Tornado
5. Paveway
6. PGM 500

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.6.9]

سویی دیگر بسته‌های حمایتی به یمن می‌فرستد که گاهی توسط جنگنده‌های سعودی و با بمب‌های انگلیسی مورد هدف قرار می‌گیرند. این نکته نیز حایز اهمیت است که براساس اظهارات گاردین، گروهی از افسران سعودی از سال ۲۰۱۵ در کالج‌های نظامی سلطنتی آموزش دیده‌اند. بر اساس گزارش روزنامه انگلیسی‌ایندیپندنت نیز از آغاز بحران یمن، میزان صادرات اسلحه انگلیس به عربستان ۴ میلیارد و ۷۰۰ میلیون پوند (حدود ۶ میلیارد دلار) رسیده است. به این ترتیب عربستان به بزرگترین خریدار تسلیحات بریتانیا تبدیل شده است. نمودار زیر نیز نشان دهنده ارزش تسلیحات صادر شده به عربستان سعودی از سوی بریتانیا طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۷ میلادی است.

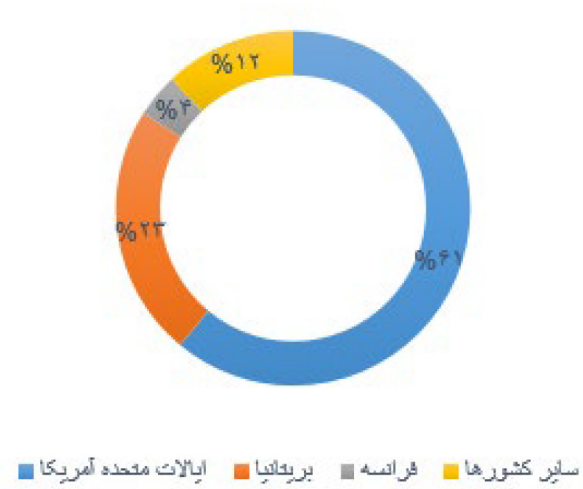


نمودار ۱- ارزش صادرات تسلیحات نظامی بریتانیا به عربستان بر مبنای پوند انگلیس (۲۰۰۸-۲۰۱۷)

(AOAV, 2018**)**

از سوی دیگر، با استمرار حملات عربستان سعودی به کشور یمن و همچنین در پی قتل جمال خاشقچی، بسیاری از کشورهای اروپایی از جمله دانمارک و فنلاند، صادرات تسلیحات نظامی خود به عربستان را محدود کردند. اما آمریکا و بریتانیا نه تنها صادرات جنگ‌افزارهای نظامی را به عربستان کاهش ندادند بلکه سعی کردند با افزایش صادرات خود، جای خالی دیگر کشورها را نیز پر کنند. نمودار زیر نشان دهنده سهم هر کشور در صادرات جنگ‌افزار نظامی به عربستان بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ است (Dewan, 2018).

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.6.9]



شکل ۱- سهم کشورهای صادر کننده سلاح به عربستان (CNN, 2018)

در این شرایط، با گسترش مخالفت‌ها با فروش تسلیحات نظامی بریتانیا به عربستان، دولت این کشور که ابتدا با طرح برخی نمایندگان پارلمان برای تعلیق فروش اسلحه و مهمات به عربستان مخالفت کرده بود، در سال ۲۰۱۹، با حکم دادگاه بریتانیا مبنی بر منع صدور مجوز فروش سلاح به عربستان برای استفاده در یمن و ضرورت بازبینی قراردادهای موجود صادرات تسلیحات نظامی، مواجه شد اما بر اساس گزارش‌های موجود، با گذشت یک سال از این حکم قضایی، شرکت‌های بریتانیایی همچنان منع فروش اسلحه به عربستان را رعایت نمی‌کنند و بر اساس سفارش‌های قبلی در حال تأمین جت‌های جنگنده‌هایی هستند که عربستان از آنها در جنگ بهره می‌برد(UK accused of selling arms, 2020)

علاوه براین، میزان صادرات تسلیحاتی بریتانیا به کشورهای عضو ائتلاف نیز از سال ۲۰۱۵ تا کنون بسیار چشمگیر بوده است به گونه‌ای که مجموع ارزش مجوزهای صادرات تسلیحات نظامی بریتانیا به کشورهای عضو ائتلاف به رقم ۶,۲ میلیارد پوند رسیده که در جدول زیر ارائه گردیده است (CAAT, 2019)

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.6.9]

جدول ۱- مجوز صادرات تسلیحات نظامی دولت بریتانیا به کشورهای ائتلاف عربی جنگ یمن

(CAAT, 2019)

کشورهای عضو ائتلاف	ارزش مجوزهای صادرات تسلیحات نظامی بریتانیا
عربستان سعودی	از مارس ۲۰۱۵
امارات متحده عربی	۵,۳ میلیارد پوند
کویت	۶۶۰ میلیون پوند
بحرین	۴۰ میلیون پوند
مصر	۷۱ میلیون پوند
اردن	۸۵ میلیون پوند
سنگال	۴۳ میلیون پوند
سودان	۲۷۰ هزار پوند
مجموع	۴۵ هزار پوند
	۶,۲ میلیارد پوند

۸- علل، اهداف و منافع مداخله بریتانیا در یمن به عنوان میانجی مذاکرات صلح

وجه دوم سیاست خارجی بریتانیا در قبال بحران یمن،ایفای نقش میانجی‌گری میان طرف‌های درگیر است. در این راستا، از سال ۲۰۱۴ به بعد، جرمی هانت، اولین وزیر خارجه یک کشور غربی بوده که به یمن سفر کرده است. امّا سوالی که در این خصوص پیش می‌اید آن است که این بُعد از سیاست خارجی بریتانیا بر اساس چه انگیزه‌ها و منافعی پیگیری می‌شود. در این زمینه می‌توان، علل، اهداف و منافع بریتانیا ازایفای نقش میانجی در مذاکرات صلح را به شرح زیر برشمرد:

– اهمیت استراتژیک تنگه باب المندب در راهبرد سیاست خارجی «بریتانیای جهانی»: تنگه باب المندب که یک پیوند استراتژیک بین دریای مدیترانه و اقیانوس هندایجاد کرده است، یکی از مهم‌ترین تنگه‌های جهان به شمار می‌رود؛ زیرا براساس برآوردها روزانه ۳,۸ میلیون بشکه نفت خام و فرآورده‌های نفتی تصفیه شده از طریق تانکرها از میان تنگه باب المندب عبور داده می‌شود. بنابر این سرزمین و جزایر یمن، نقش مهمی در امنیت این تنگه راهبردی بازی می‌کند. بر این اساس، دولتی که بر کشور یمن اعمال حاکمیت می‌کند برای بسیاری از کشورهای جهان اهمیت دارد، به ویژه‌اینکه این دولت می‌تواند اجازه استقرار

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.6.9]

نیروی هوایی و دریایی کشوری دیگر را در این منطقه راهبردی بدهد.

با توجه به این مساله، در شرایطی که بریتانیا به دنبال افزایش‌ایفای نقش در معادلات جهانی پس از برگزیت به عنوان «بریتانیای جهانی» است، تنگه باب المندب جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی آن پیدا کرده است. در ابتدای شروع حمله عربستان به یمن، تحلیلگران غربی بر این باور بودند که با اقدام نظامی می‌توان مقاومت مردم یمن را در هم شکست و این تنگه را از دولت یمن، بازپس گرفت اما اکنون پس از گذشت حدود ۵ سال از شروع این تجاوز، همگان به غلط بودن تحلیل فوق پی برده‌اند. به همین دلیل کشورهای غربی به ویژه انگلستان با تغییر تاکتیک، قصد دارند با مذاکره از یمنی‌ها امتیاز بگیرند و دوباره این تنگه راهبردی را تحت سلطه خود درآورند. بنابر این با پیش برد سیاست چماق و هویج، از یکسو با فشار بر یمن و حمایت نظامی از ائتلاف سعودی و از سوی دیگر با ابزار مذاکره میان طرف‌های مختلف سعودی، اماراتی و یمنی و همچنین تلاش برای تشکیل دولت مستقلی در عدن، به دنبال امتیاز گرفتن و محدود کردن قدرت انصارالله یمن و مدیریت آن بر تنگه استراتژیک باب المندب هستند.

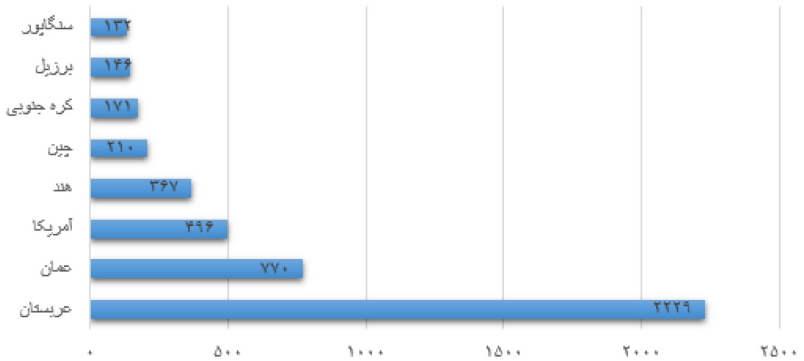
– بازسازی و احیای نقش بریتانیا در خلیج فارس: اتخاذ استراتژی چرخش به آسیا در راهبرد سیاست خارجی آمریکا به منظور مهار چین و کاهش تمرکز این کشور در منطقه غرب آسیا، زمینه را برای بریتانیا در راستای‌ایفای نقش «بریتانیای جهانی» از طریق بازسازی و احیای نقش خود در خلیج فارس بوجود آورده است. در این زمینه، گوین ویلیامسون[1]، وزیر دفاع انگلستان در دسامبر ۲۰۱۸ در مصاحبه با دیلی تلگراف تاکید کرد که «پس از برگزیت پایگاه‌های نظامی جدیدی در سراسر جهان از جمله منطقه خلیج فارس‌ایجاد خواهد شد؛ چرا که سیاست دهه ۶۰ میلادی برای خروج از مناطق شرق کانال سوئز از بین رفته است و بریتانیا فرصت بازیابی نقش خود در عرصه جهانی را مغتنم می‌شمارد. مردم بریتانیا باید نسبت به‌اینده‌مان خوش‌بین‌تر باشند» (Hope, 2018). در این چارچوب، در سال ۲۰۱۸ این کشور با افتتاح پایگاه نظامی دائمی در بحرین پس از ۴۷ سال از خروج نیروهای نظامی بریتانیا از منطقه، به خلیج فارس بازگشت. در این میان، مسلماایفای نقش‌های کلیدی مانند میانجیگری بحران‌های منطقه‌ای همزمان با افزایش روابط با بازیگران کلیدی در خلیج فارس

1. Gavin Williamson

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.6.9]

بویژه عربستان، از اهداف راهبردی سیاست خارجی بریتانیا به حساب می‌اید.

– منافع اقتصادی روابط بریتانیا – عربستان سعودی: عربستان، یکی از شرکای مهم بریتانیا به حساب می‌اید. این مساله به گونه‌ای است که از یکسو، بریتانیا شریک نهم تجاری عربستان به حساب می‌آید و از سوی دیگر، چنانچه در آمار و نمودارهای روابط نظامی دو کشور در سال‌های اخیر نیز بر اهمیت آن تاکید شد، عربستان اولین شریک تجاری بریتانیا در خرید تسلیحات نظامی است. (Armstrong, 2020)



شکل ۲- شرکای اصلی صادرات تسلیحات نظامی بریتانیا، واحد اعداد میلیون تی آی وی[1] است[2].

(۲۰۱۹-۲۰۱۵) (Armstrong, 2019)

بر این اساس، بریتانیا با توجه به اهمیت حفظ روابط با عربستان سعودی، تلاش می‌کند از یکسو، علی رغم فشارها و مخالفت‌های داخلی با فروش تسلیحات نظامی به ائتلاف سعودی، همچنان با حمایت نظامی از عربستان، منافع اقتصادی خود را استمرار بخشیده و از سوی دیگر، با توجه به‌اینکه بریتانیا علاوه بر منافع اقتصادی جنگ یمن و فروش تسلیحات نظامی به عربستان، یکی از اصلی‌ترین حامیان سلطنت سعودی است، گزینه مذاکره را در کنار راهبرد نظامی، برای جلوگیری از شکست قطعی عربستان و از دست دادن منافع اقتصادی آتی خود، در دستور کار سیاست خارجی قرار داده است.

1. TIV (trend-indicator value)

۲. شاخص مورد نظر نشان دهنده هزینه تولید تسلیحات است و بیشتر بر انتقال منابع نظامی تأکید می‌کند تا ارزش مالی این نقل و انتقالات.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.6.9]

– حفظ توازن قوای منطقه‌ای با عدم شکست قطعی ائتلاف سعودی در جنگ یمن: با فرسایشی شدن جنگ یمن و آشکار شدن عدم پیروزی قطعی ائتلاف سعودی، زمینه‌های تغییر توازن قوای منطقه‌ای به سود جریان مقاومت به رهبری‌ایران، آشکارتر شده است. در این شرایط، بریتانیا برای تکمیل طرح آمریکا و در شرایط کنونی که احتمال شکست عربستان قوت گرفته است، مذاکره را راهبردی مناسب برای جلوگیری از تبدیل یمن به جبهه مستحکم نیروهای مقاومت می‌داند. از نظر بریتانیا، بحران یمن هنوز به پایان نرسیده و برعکس سوریه که نفوذایران در آن سرزمین تثبیت شده است، یمن هنوز حالت ژله‌ای دارد و امکان قطع و یا حداقل تقلیل نقش جمهوری اسلامی ایران در یمن وجود دارد. به همین دلیل بریتانیا با کاهش هزینه‌ها در سوریه، بر تحولات یمن متمرکز شده‌اند.

۹. چالش‌ها و چشم‌انداز سیاست خارجی بریتانیا در یمن

سیاست خارجی بریتانیا در قبال یمن، با چالش‌های متعددی روبرو شده است. این مساله از یکسو با مخالفت‌های داخلی در این کشور به دلیل ماهیت دوگانه حمایت سیاسی– نظامی بریتانیا از ائتلاف سعودی – بویژه فروش تسلیحات نظامی– وایفای نقش میانجی‌گری و همچنین اعلام کمک‌های بشردوستانه آن به مردم یمن، مطرح شده است. در این زمینه، حزب کارگر بریتانیا، مهمترین منتقد داخلی سیاست بریتانیا در قبال بحران یمن بوده است. جرمی کوربین[1] رهبر سابق حزب کارگر همواره با انتقاد شدید از نقش دولت این کشور در تسلیح ائتلاف سعودی تأکید کرده است که دولت بریتانیا باید حمایت خود از جنگ در یمن را متوقف سازد. کوربین از دو کشور عربستان و بحرین به عنوان ناقضان حقوق بشر یاد کرده و خواهان توقف فروش تسلیحات نظامی به عربستان شده بود. دیوید میلیبند[2]، وزیر امور خارجه اسبق انگلیس نیز طی یادداشتی با اشاره به ابعاد گسترده بحران انسانی در یمن، خواستار توقف سیاست حمایت از جنگ در این کشور شده بود. (Flowers, 2018). مجموعه‌اینگونه انتقادات به همراه گزارش‌های متعدد مجلس عوام و اعیان بریتانیا در مورد جنگ یمن، زمینه حکم دادگاه این کشور برای منع فروش تسلیحات به عربستان را بوجود آورد. همچنین نهادها و موسسات مختلف نیز سیاست دوگانه فروش تسلیحات و سیاست

1. Jeremy Corbyn
2. David Miliband

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.6.9]

حمایت بشردوستانه از مردم یمن را مورد انتقاد قرار داده و آنرا غیراخلاقی، غیرقانونی و ناسازگار اعلام کرده اند. (Oxfam, 2019)

از سوی دیگر، جنگ فرسایشی ۵ ساله و نقض گسترده قواعد حقوق بشردوستانه در حملات نیروهای ائتلاف – که بر اساس برخی تخمین‌ها بالغ بر ۲۰ هزار حمله هوایی بوده و با تسلیحات عمدتا بریتانیایی تجهیز شده اند– نیز انتقادات گسترده‌ای را از سوی نهادهای بین المللی در مورد سیاست این کشور در بحران یمن به همراه داشته است چنانچه سازمان عفو بین الملل در گزارش‌های مختلفی، با اشاره به استفاده عربستان در حملات هوایی خود به یمن از بمب‌های خوشه‌ای ساخت بریتانیا و ادامه فروش تسلیحات نظامی به این کشور، عدم پایبندی به تعهدات خود در چارچوب کنترل بین‌المللی تسلیحات را اعلام نموده است. همچنین برخی از فعالان حقوق بشر نیز خواستار بکارگیری سازمان عفو بین الملل به منظور کمک در اثبات جرایم جنگی در جنگ یمن شده اند که این مساله نیز چالش جدیدی برای سیاست خارجی بریتانیا در یمن به دنبال دارد (Hao, 2020).

شکاف درونی در نیروهای ائتلاف میان عربستان و امارات متحده عربی و نیروهای نیابتی آنان نیز چالش دیگری در پیشبرد راهبرد بریتانیا در یمن به حساب می‌اید. این مساله بویژه در تنش میان نیروهای دولت مستعفی یمن تحت حمایت عربستان و نیروهای شورای انتقالی یمن که امارات آن را حمایت می‌کند، در استان‌های جنوبی یمن در عدن، ابین و شبوه بارها آشکار شده است. مجموعه این عوامل، ناکامی راهبرد نظامی نیروهای ائتلاف سعودی در جنگ یمن را آشکار ساخته و با توجه به فشارهای داخلی و خارجی، سیاست خارجی بریتانیا در یمن را با چالش مواجه ساخته است..

در این شرایط، بریتانیا با وجود این چالش‌ها، راهبرد کلان حضور گسترده‌تر خود در منطقه را در دستور کار خود قرار داده است چنانچه ارسال سومین ناوشکن به خلیج فارس در پی افزایش تنشها با جمهوری اسلامی و اذعان وزیر دفاع بریتانیا در این خصوص که هر کجا پرچم قرمز بریتانیا به اهتزاز درآید، این کشور در راستای حمایت از آزادی ناوبری وارد عمل خواهد شد (Britain sends another warship, 2019) و همچنین اعلام تمایل بریتانیا برای تشکیل ائتلاف اروپایی برای حفاظت از کشتیها در تنگه هرمز، موید این ادعاست(Seligman and Johnson, 2019) از سوی دیگر، تلاش برای تأسیس پادگان‌های نظامی – از جمله افتتاح

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.6.9]

پایگاه اچ ام اس جوفیر[1] در بندر سلمان در منامه (پایتخت بحرین) و توافق با دولت کویت درمورد ساخت یک پایگاه دریایی انگلیسی در این کشور – (Bell, 2017) و برگزاری مانور مشترک در این منطقه – مانند برگزاری رزمایش نظامی مشترک این کشور با کشور عمان در سال ۲۰۱۹ که بزرگترین رزمایش این کشور طی ۱۷ سال گذشته بود و یک ماه به طول کشید – را می‌توان از مهمترین نشانه‌های بازگشت بریتانیا به منطقه غرب آسیا دانست. با توجه به این شواهد، سیاست خارجی بریتانیا در قبال بحران یمن به منظورایفای نقش «بریتانیای جهانی»، در تداوم حمایت از ائتلاف سعودی، ادامه رایزنی دیپلماتیک برای امتیاز گرفتن از طرف یمنی، تلاش برای‌ایفای نقش میانجیگری بین طرفهای درگیر در بحران یمن و نقش بالانسر در مقابله با تغییر توازن قوای منطقه‌ای تدوین شده است.

1. HMS Juffair

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.6.9]

۱۰- نتیجه‌گیری

بحران یمن یکی از مهم‌ترین تراژدی‌های کنونی سیاست جهانی به شمار می‌آید که از ابعاد مختلف مورد توجه کارشناسان روابط بین الملل قرار گرفته است. با این وجود، یکی از مسائل حائز اهمیت و مغفول در این زمینه، جهت‌گیری سیاست خارجی بریتانیا در قبال این بحران است این درحالی است که مسلما بریتانیا را می‌توان یکی از بازیگران کلیدی و موثر در تداوم این بحران به حساب آورد. به طور کلی بریتانیا در شرایط کنونی با خروج از اتحادیه اروپا و پیگیری راهبرد «بریتانیای جهانی» در پی‌ایفای نقش بین المللی است که پس از حادثه یازده سپتامبر در کنار افزایش همکاری باایالات متحده آمریکا در چارچوب دکترین مبارزه با تروریسم، به تدریج در راستای تحقق آن، گام برداشته است. در این چارچوب، سیاست خارجی بریتانیا در قبال جنگ یمن را باید در قالب سناریوی بازسازی و احیای نفوذ سنتی بریتانیا در منطقه غرب آسیا مورد ارزیابی قرار داد. بر این اساس، بریتانیا و عربستان که نگرانی مشترکی درباره حفظ ثبات و امنیت منطقه‌ای مطلوب شان و جلوگیری از تغییر موازنه قوا در غرب آسیا دارند، با نگرانی از ارتباط حوثی‌های یمن با محور مقاومت، به دنبال مدیریت این بحران هستند. این مساله با توجه به موقعیت ژئواستراتژیک باب المندب، اهمیت مضاعفی یافته است به گونه‌ای که وزرای دفاع و خارجه بریتانیا مکررا به اهمیت امنیت خلیج فارس برای سیاست خارجی انگلستان اشاره کرده اند و بر تقویت همکاری‌های بریتانیا و دولت‌های منطقه تاکید نموده اند. علاوه براین، هدف دیگر بریتانیا از نقش آفرینی در بحران یمن و همکاری با ائتلاف سعودی در جنگ یمن، دورنمای اقتصادی روابط بین دو کشور است. در حال حاضر بریتانیا پس ازایالات متحده آمریکا دومین کشور صادر کننده تسلیحات به عربستان سعودی است. همچنین در چشم انداز اقتصادی بریتانیا، روابط اقتصادی با عربستان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و جنگ یمن، تا کنون، دستاوردهای اقتصادی زیادی را با فروش تسلیحات نظامی بریتانیا به کشورهای عضو ائتلاف عربی و بویژه عربستان سعودی برای این کشور به دنبال داشته است به گونه‌ای که علی رغم انتقادات متعدد احزاب و شخصیت‌های سیاسی داخلی در بریتانیا و نهادها و سازمان‌های حقوق بشری در مورد مسوولیت این کشور در کشتار غیرنظامیان در جنگ یمن و حتی اعلام حکم قضایی دادگاه بریتانیا، فروش این تسلیحات نظامی به عربستان همچنان ادامه دارد. بر این اساس، سیاست

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.6.9]

خارجی بریتانیا پس از برگزیت و در خلال بحران یمن، به منظورایفای نقش جهانی، تمایل بیشتر خود به نقش آفرینی در منطقه غرب آسیا را از طریق اعمال فشار و چانه‌زنی دیپلماتیک با فروش تسلیحات و آموزش نیروهای ائتلاف عربستان سعودی وایفای نقش میانجیگر در این بحران، در سیاست خارجی خود پیگیری کرده است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.6.9]

منابع فارسی:

۱. امیری، سروش (۱۳۹۷). «دولتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و بحران ژئوپلیتیکی و امنیتی یمن با تأکید برایران و عربستان و همپیمانان»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۲۸.

۲. امیری، سروش؛ کیانی، جواد (۱۳۹۶). «خاستگاه درونی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بحران ژئوپلیتیکی یمن»، فصلنامه راهبرد سیاسی سال اول، شماره ۲.

۳. اووری، ریچارد (۱۳۹۱). «اطلس تاریخی قرن بیستم»، ترجمه حسین شهرابی، تهران: نشر نی.

۴. اسمیت، استیو؛ بیلس، جان (۱۳۹۵). «جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین»، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، چاپ چهارم، تهران: ابرار معاصر.

۵. دوئرتی، جیمز؛ فالتزگراف، رابرت (۱۳۹۶). «نظریه‌های متعارض در روابط بین الملل»، ترجمه علیرضا طیّب و وحید بزرگی، چاپ هشتم، تهران: نشر قومس.

۶. سمیعی اصفهانی، علیرضا؛ محمدی عزیز آبادی، مهدی؛ نیکفر، جاسب (۱۳۹۴) «ژئوپولیتیک هویت و تأثیر آن بر راهبرد امنیتی ایران و عربستان در بحران یمن» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۵، ش۲، تابستان ۹۴،

۷. علی‌نژاد اصل، محمد؛ آرش پور، علیرضا، راعی دهقی، مسعود (۱۳۹۸) «ارزیابی اجرای دکترین مسئولیت حمایت در قبال بحران یمن»، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۹، ش۴، زمستان ۹۸،

۸. قاسمی، عباس (۱۳۸۴). «بحران کانال سوئز جنگ ۱۹۵۶ بین اعراب و اسرائیل و سیاست ایران در قبال آن»، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، شماره ۳۶.

۹. کشاورز شکری، عباس؛ صادقیان، هاجر (۱۳۹۲) «کالبدشکافی سیاست خارجی و مواضع بازیگران معارض غربی در جنگ ۳۳ روزه لبنان»، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۳، ش ۱، بهار ۹۲.

۱۰. محمد شریفی، مجید؛ دارابی منش، مریم (۱۳۹۲) «راهبرد کلان آمریکا و چرخش سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه»، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۳، ش ۳، پاییز ۹۲.

۱۱. مختاری، حسین؛ شمس، مجتبی (۱۳۹۶). «تحلیل ژئوپلیتیک بحران یمن»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، سال دوم، شماره ۵.

۱۲. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۷). «مبانی نظری تبیین و تحلیل سیاست خارجی»، چاپ دوم، تهران: سمت.

۱۳. نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۳). «تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل از پیمان وستفالی تا امروز»، تهران: نشر قومس.

۱۴. نیاکویی، سید امیر؛ اعجازی، احسان (۱۳۹۵). «واکاوی بحران امنیتی در یمن: علل و زمینه‌ها»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، دوره ۸، شماره ۲۸.

منابع انگلیسی:

15. Armstrong Martin (2020). “The UK's biggest arms export partners”, https://www.statista.com/

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.6.9]

19. AOAV (2018). “UK arms exports to Saudi Arabia”, https://aoav.org.uk
20. Bell, Wilson (2017). “Britain and Kuwait to sign new military co-operation agreement”, http://www.futuredirections.org.au
18. Burns, William E. (2009). “A Brief History of Great Britain”. New York: Maple-Vail Book Manufacturing Group.
19. CAAT (2019). “UK arms sales to Saudi Arabia”, https://www.caat.org.uk
20. Curtis, Mark (2019). “British foreign policy in the Middle East: A secret history of self-interest”, https://www.middleeasteye.net
21. Dewan, Angela (2018). “These are the countries still selling arms to Saudi Arabia”, https://edition.cnn.com
22. Edroos, Faisal (2017). “Yemen: Who was Ali Abdullah Saleh?” https://www.aljazeera.com
23. Euronews (2019). “Ties with Saudi Arabia give UK leeway to push for peace in Yemen – Hunt”, https://www.euronews.com
24. Feng, Liu and Zhang Ruizhuang (2006). “the Typologies of Realism”, the Chinese Journal of International Politics, Volume 1, Issue 1.
25. Flowers Kimberly (2018). “The Humanitarian Crisis in Yemen”, Center for strategic and International Studies.
26. Garnett, Mark& Mabon, Simon & Smith, Robert (2018). “British Foreign Policy since 1945”. New York & London: Routledge.
27. Guardian (2019). “Dozens of Saudi military cadets trained in UK since Yemen intervention”, https://www.theguardian.com
28. Guardian (2020). “UK accused of selling arms to Saudi Arabia a year after court ban”, The Guardian, https://www.theguardian.com
29. Hao Karen (2020). “Human rights activists want to use AI to help prove war crimes in court”, https://www.technologyreview.com/
30. Hope Christopher (2018). “Britain to become 'true global player' post-Brexit with military bases in South East Asia and Caribbean”, https://www.telegraph.co.uk
31. House of Commons (2016). “The use of UK-manufactured arms in Yemen”, House of Commons Foreign Affairs Committee.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.6.9]

32. Hunt (2019). “Britain's role in a post-Brexit world”, https://www.gov.uk
33. Mansbach, Richard; Rafferty, Kristen (2008). “Introduction to Global Politics”, London and New York: Routledge.
34. Mononen, Juha (2008). “War or Peace for Finland?” Finland: University of Finland.
35. Oxfam (2019). “UK Aid and Arms in Yemen”, https://www.oxfam.org.uk
36. Reuters (2019). “Britain sends another warship to boost presence in the Gulf” https://www.reuters.com
37. Rij, Armida van; Wilkinson, Benedict (2018). “Security Cooperation with Saudi Arabia: Is it worth it for the UK?” King’s College London.
38. Seligman, Lara; Johnson, Keith (2019). “Britain’s Power Play in the Persian Gulf”, https://foreignpolicy.com/
39. Smith, Amelia (2017). “The UK supported Saleh and every other Middle East tragedy”, https://www.middleeastmonitor.com
40. Smith Ben (2017). “Yemen at war”, House of Commons.
41. Smout, Alistair (2018). “From Churchill to Trump: Key moments in the UK-U.S. special relationship”, https://www.reuters.com/
42. The Soufan Center (2018). “The Forgotten War: The Ongoing Disaster in Yemen”, https://thesoufancenter.org/research/
43. US Department of State (2019). “Joint Statement by Saudi Arabia, the United Arab Emirates, the United Kingdom and the United States on Yemen and the Region”, https://uk.usembassy.gov/
44. Walpole, Liam (2018). “Global Britain and UK Foreign Policy in Yemen”, Oxford research group.
45. Wearing, David (2019). “Britain could stop the war in Yemen in days. But it won’t”, The Guardian, https://www.theguardian.com

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۰۰۲۰۵

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

یوسف وند، احمدرضا؛ کلانتری، پویا؛ جاودانی مقدم، مهدی (۱۳۹۹)، «ارزیابی سیاست خارجی بریتانیا در قبال بحران یمن »، فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۰، ش۲، تابستان ۹۹، صص ۱۳۶-۱۱۱.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.6.9]